

## عنوان مقاله:

ارزیابی خصوصیات زراعی و شیمیایی بوم نظام گندم تحت تاثیر الگوهای کشت مضاعف و مدیریت زیستی- شیمیایی کود

## محل انتشار:

مجله پژوهش های تولید گیاهی، دوره 26، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

## نویسندگان:

امیر آیینه بند - دانشگاه شهید چمران اهواز

محمود شوهانی - دانشگاه شهید چمران اهواز گروه زراعت

اسفندیار فاتح - دانشگاه شهید چمران اهواز

## خلاصه مقاله:

سابقه و هدف: با استفاده ی منحصر به فرد از کودهای شیمیایی نمی توان به پایداری در تولید محصولات زراعی دست یافت. به علاوه حصول عملکرد قابل قبول گیاهان زراعی با استفاده ی کودهای زیستی به تنهایی امکان پذیر نمی باشد. بنابراین استفاده از راهکارهای مدیریتی همچون توالی مناسب گیاهان زراعی و استفاده ی تلفیقی از کودهای زیستی و شیمیایی می تواند در تولید و تداوم محصولات کشاورزی راه گشا باشند. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر توالی کاشت گیاهان مختلف زراعی با گندم و تلفیق کاربرد کودهای شیمیایی و زیستی بر عملکرد کمی و کیفی گیاه گندم و وضعیت عناصر در خاک اجرا شد. مواد و روش ها: به منظور مطالعه ی اثر توالی زراعی و کودهای زیستی در بوم نظام گندم، آزمایشی در مزرعه ی پژوهشی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال زراعی 95-1394 طی دو فصل تابستان و زمستان انجام شد. طرح آزمایشی به صورت کرت های خرد شده در قالب بلوک های کامل تصادفی و در سه تکرار بود. عامل اصلی شامل پنج نوع گیاه زراعی پیش کشت قبل از گندم بود که عبارت بودند از: آفتابگردان، ارزن، ذرت، کنجد و ماش. عامل کرت فرعی سه روش مدیریت کود شامل: کاملا شیمیایی، کاملا زیستی و تلفیقی بود. عملکرد دانه و اجزای عملکرد گندم و برخی خصوصیات شیمیایی خاک اندازه گیری شدند. یافته ها: نتایج این آزمایش نشان داد که بیش ترین عملکرد دانه ی گندم (1/7 تن در هکتار) در توالی ماش-گندم و در کوددهی تلفیقی به دست آمد. کود زیستی کمترین عملکرد کاه، عملکرد دانه و درصد پروتئین را به دنبال داشت. در تناوب گندم با گیاهان غیر بقولات، بیش ترین عملکرد دانه ی گندم (5/58 تن در هکتار) مربوط به توالی آفتابگردان-گندم بود، در حالی که بیش ترین عملکرد دانه ی گندم (5/91 تن در هکتار) در توالی ماش-گندم به دست آمد. کمترین عملکرد دانه (4/9 تن در هکتار) نیز مربوط به توالی کنجد-گندم بود. همچنین کمترین مقدار نیتروژن (0/054 درصد)، فسفر (2/9 میلی گرم بر کیلوگرم خاک) و پتاسیم قابل تبادل (162 میلی گرم بر کیلوگرم خاک) خاک به ترتیب مربوط به حضور گیاه آفتابگردان، ارزن و کنجد همگی در روش کاملا شیمیایی بود. در کوتاه مدت، روش های مختلف کوددهی در مقایسه با تغییر نوع گیاه قبلی اثر بیش تری بر عملکرد دانه داشت. نتیجه گیری: از نتایج این پژوهش می توان چنین استنباط نمود که اثر گیاه قبلی در کشت مضاعف با تغییر در نوع مدیریت کود از شیمیایی به زیستی تغییر یافت. به علاوه در توالی هایی که بقولات حضور ندارند، روش مدیریت تلفیقی کود راه کار مناسب تری نسبت به روش های کاملا شیمیایی یا کاملا زیستی خواهد بود. نتیجه گیری: از نتایج این پژوهش می توان چنین استنباط نمود که اثر گیاه قبلی در کشت مضاعف با تغییر در نوع مدیریت کود از شیمیایی به زیستی تغییر یافت. به علاوه در توالی هایی که بقولات حضور ندارند، روش مدیریت تلفیقی کود راه کار مناسب تری نسبت به روش های کاملا شیمیایی یا کاملا زیستی خواهد بود.

## کلمات کلیدی:

مدیریت تلفیقی کود، بقولات، کربن آلی، کنجد، آفتابگردان

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/953864>



